



Archaeological Survey of the Qajar Period slavery System Through Analyzing the Content of Documents, Written Sources and Archived Photographs

Vahid Shahsavaranii^{1*}, Mohammad Mortezaie¹

1. Master of Art, Deputy of Cultural Heritage, Ministry of Cultural Heritage, Tourism and Handicrafts, Tehran, Iran

2. Associate Professor of Islamic Period, Institute of Linguistics, Iranian Center for Archaeological Research, Research Institute and Cultural Heritage and Tourism, Tehran, Iran

Received 2022/07/23 | Accepted 2022/09/20

Abstract

For archaeologists, historical texts are important in several ways; first, the written texts and second its examination in an archaeological context, along with other material of its context. In fact, the importance of the context is that the cultural material (here the text) is evaluated based on its social and historical context. Historical texts along with other facts, are important evidence to archaeologists. In the slave system of Qajar-era, servants were primarily a form of consumption and not an element of production. A group of servants who served in the houses of the wealthy, included maids, gholams, and Khawjas. The black slaves were African, and they were traded through the Persian Gulf, and the white ones were of various ethnicities who were provided through trade or captivity in wars. The way this class was treated was often accepted by the community. The maids either entered the harem as a monk or a permanent wife, or to do housework for the elders' wives. The gholams were also employed in various fields of the military, domestic services, security, agriculture and irrigation, fishing and scuba diving (in the south), and achieved high administrative and military positions if they had the ability and expertise. Therefore, in this article, the Qajar slavery system, in two areas of south and southwest of Iran, were investigated by studying documents, written sources, and photographs of the Qajar period as text and cultural material through archeological approach and content analysis.

Keywords: Text, Archived documents, Black slaves, Qajar era

Copyright © 2020 Journal of Studies of Cultural Heritage Documents. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



Shahsavaranii, V., Mortezaie, M. (2022). Archaeological Survey of the Qajar Period slavery System Through Analyzing the Content of Documents, Written Sources and Archived Photographs, *Cultural Heritage Records Studies*, 2(2), 26-43.

Corresponding Author: Vahid Shahsavaranii, Master of Art, Deputy of Cultural Heritage, Ministry of Cultural Heritage, Tourism and Handicrafts, Tehran, Iran **Email:** Vahid.shahsavaranii@gmail.com



بررسی باستان‌شناختی نظام بنده‌داری دوره قاجار براساس تحلیل محتوای اسناد، منابع مکتوب و عکس‌های آرشیوی

وحید شاهسوارانی*^۱، محمد مرتضایی^۱

۱. کارشناس ارشد، اداره کل موزه‌ها، معاونت میراث فرهنگی، وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، تهران، ایران
۲. دانشیار، پژوهشکده باستان‌شناسی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، ایران

دریافت: ۱۴۰۱/۵/۱ | پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۳۰

چکیده

متون تاریخی از دیدگاه‌های گوناگون برای باستان‌شناسان اهمیت دارد. نخست از نظر متن‌ها و دیگری بررسی آنها در بستر باستان‌شناختی در کنار دیگر مواد هم‌بستر آنها. در واقع اهمیت بستر به این دلیل است که در آن ماده فرهنگی (در اینجا متن) بر مبنای زمینه اجتماعی و تاریخی آن ارزیابی می‌شود. متون تاریخی شکلی از شاهد مادی هستند که نزد باستان‌شناس و در کنار دیگر فاکت‌ها اهمیت دارند. در نظام بنده‌داری دوره قاجار، بندگان در وهله نخست شکلی از مصرف بودند تا عنصری در تولید. در این میان، بخشی از گروه مستخدمان و نوکران را که در خانه ثروتمندان فراوان بودند، کنیزان، غلامان و خواجه‌گان تشکیل می‌دادند. از این میان، بندگان سیاه، آفریقایی بودند و خرید و فروش آنها از طریق خلیج فارس صورت می‌گرفت. سفیدها که از قومیت‌های مختلف بودند، از راه تجارت و خرید و فروش یا اسارت در جنگ‌ها و تهاجمات ناگهانی تأمین می‌شدند. رفتار با این طبقه مورد قبول همگان و در جامعه پذیرفته شده بود. کنیزان نیز یا به‌عنوان زن صیغه‌ای یا دائمی وارد حرم‌سراها می‌شدند، یا در خدمت زنان بزرگان به کارهای خانگی می‌پرداختند. غلامان در زمینه‌های مختلف نظامی، خدمات خانگی، نگهبانی، کشاورزی، آبیاری، ماهیگیری و غواصی (در جنوب) به کار گرفته می‌شدند و در صورت داشتن توانایی و کاردانی به مناصب بالای اداری و نظامی دست می‌یافتند. بر این اساس، در نوشتار حاضر با مطالعه و بررسی اسناد، منابع مکتوب و عکس‌های به‌جامانده از دوره قاجار به‌عنوان متنی به‌مثابه ماده فرهنگی به بررسی باستان‌شناختی نظام بنده‌داری در دوره قاجار در دو حوزه جنوب و جنوب غرب ایران پرداخته شده است.

واژه‌های کلیدی: متن، اسناد آرشیوی، بندگان سیاه، دوره قاجار

کپی‌رایت © دو فصلنامه مطالعات اسناد میراث فرهنگی: دسترسی آزاد؛ کپی برداری، توزیع و نشر با ذکر منبع آزاد است.

شاهسوارانی، وحید، مرتضایی، محمد (۱۴۰۱). بررسی باستان‌شناختی نظام بنده‌داری دوره قاجار براساس تحلیل محتوای اسناد منابع مکتوب و عکس‌های آرشیوی. *مطالعات اسناد میراث فرهنگی*، ۲ (۲)، ۲۶-۴۳.



* نویسنده مسئول: وحید شاهسوارانی، کارشناس ارشد، اداره کل موزه‌ها، معاونت میراث فرهنگی، وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، تهران، ایران.
پست الکترونیک: Vahid.shahsavaranii@gmail.com

مقدمه

می‌شدند. این روند (ورود بردگان آفریقایی به ایران) تا اواسط قرن چهاردهم قمری ادامه داشت

گذری به بنده‌داری

بنده‌داری پدیده‌ای اجتماعی است که همواره از جلوه‌های بارز تضادها و نابرابری‌های اجتماعی محسوب می‌شود. بندگان افرادی هستند که حقوق کمی دارند؛ درحالی‌که باید از حقوق قانونی و طبیعی جامعه، حتی اندک برخوردار باشند. از منظری دیگر می‌توان بندگان را قشر بیشتر تکلیف‌پذیر جامعه نامید که بیش از حقوق، تکالیف بر عهده آنان است. به عقیده برخی، دلیل پدیدآمدن بندگی تشکیل خانواده بوده است؛ به‌ویژه از سوی مرد که در مقابل زن قدرت بیشتری داشته است؛ بدین ترتیب انسان دریافت که می‌تواند از نیروی دیگران استفاده کند. این مسئله تا حدودی درباره فرزندان نیز صدق می‌کرد. به تدریج این رابطه از طریق قبیله و رئیس آن دنبال شد که نوعی از الگوهای مشابه بنده‌داری به شمار می‌آمد (ماخت، ۱۳۸۵؛ شاهسوارانی و مرتضایی، ۱۳۹۵). بر این اساس، تصور بندگی دیگران مطرح شد؛ به‌ویژه در دوران کشاورزی که طبقه فقیر جامعه قادر به تأمین ابتدایی‌ترین نیازهای طبیعی خود نبود؛ از این رو این طبقه از سوی صاحبان زمین استخدام شدند و به تدریج در خانواده آنان پا گذاشتند. بر این اساس، فرهنگ احساس تعلق و فروتر بودن از ویژگی‌های این قشر به شمار آمد تا اینکه نظام جدید به تدریج در جوامع پذیرفته شد. در این میان، فرایند استخدام و بهره‌کشی به اسرای جنگی نیز سرایت یافت؛ تا آنجا که برخی اسرا به تدریج برای بندگی در خانواده‌ها راه یافتند. این جریان سبب تشویق به جنگ شد؛ به‌ویژه که این نوع استخدام بندگان فواید اقتصادی فراوانی داشت، اما زمانی که دولت‌ها در جوامع انسانی پدید آمدند، این نظام بنده‌داری به قانون تبدیل شد و از حالت عرفی درآمد و به تثبیت قانونی رسید (ایرجی، ۱۳۳۸؛ شاهسوارانی و مرتضایی، ۱۳۹۵).

به هر حال در تعیین تاریخ آغاز بندگی اختلاف نظر وجود دارد. برخی آن را به دوره شکار و برخی به دوره کشاورزی مربوط می‌دانند؛ البته باید آغاز بردگی مصطلح را از شروع تأسیس دولت‌ها دانست؛ زیرا پیش از آن بردگی خانوادگی مطرح بود و این موقعیت و دسته‌بندی نوعی خدمتگزاری محسوب می‌شد نه بندگی؛ زیرا در آن دوره همه مملوک بودند و رؤسای خانواده‌ها مالک، اما مالکیت آنها ناشی از حق حاکمیت و اقتدار بود و این نسبت برای همگان، اعم از خودی و خدمتگزار و فرزند یکسان به شمار می‌آمد؛ بنابراین شاید بتوان طبقه خدمتگزار آن دوره را بنده نامید. براساس آنچه بیان شد، می‌توان بندگی را به دو بخش بندگی خانوادگی و بندگی قانونی تقسیم کرد (لاور، ۱۳۷۳؛ شاهسوارانی و مرتضایی، ۱۳۹۵).

بندگی خانوادگی با بندگی حقیقی متفاوت است؛ زیرا بندگی حقیقی

در ایران عصر قاجار، بخشی از گروه مستخدمان و نوکران را که در خانه ثروتمندان به‌وفور یافت می‌شدند، کنیزان، غلامان و خواجگان تشکیل می‌دادند. از این میان، بردگان سیاه، آفریقایی بودند و خرید و فروش آنها از طریق خلیج فارس صورت می‌گرفت و سفیدها که از قومیت‌های مختلف بودند، از راه تجارت و خرید و فروش، یا اسارت در جنگ‌ها و تهاجمات ناگهانی تأمین می‌شدند. رفتار با این طبقه، مورد قبول همگان و در جامعه پذیرفته شده بود. کنیزان یا به‌عنوان زن صیغه‌ای یا دائمی وارد حرم‌سراها می‌شدند، یا در خدمت زنان بزرگان به کارهای خانگی می‌پرداختند. غلامان نیز در زمینه‌های مختلف نظامی، خدمات خانگی، نگهبانی، کشاورزی، آبیاری، ماهیگیری و غواصی (در جنوب) به کار گرفته می‌شدند و در صورت داشتن توانایی و کاردانی به مناصب بالای اداری و نظامی دست می‌یافتند.

براساس اسناد و عکس‌های به‌جامانده در عصر قاجار، در این دوره هم غلام و کنیز سفیدپوست و هم سیاه‌پوست وجود داشت. بردگان سفید از اقوام مختلفی چون قفقازی (گرجی، چرکس، ارمنی)، کرد (از شمال غربی ایران)، بلوچ (جنوب شرقی)، ترکمن (شمال شرقی) یا حتی ایرانی بودند. این دسته از بردگان، در تهاجمات و لشکرکشی‌های تنبیهی، به‌ویژه علیه ترکمن‌ها و بلوچ‌ها یا طی جنگ‌های منظم ایران و روسیه به اسارت درمی‌آمدند، بخشی از آنها نیز از راه تجارت و خرید و فروش تأمین می‌شدند. با سقوط صفویان و دوران فترت قدرتی که با شروع حکومت قاجارها ایجاد شد، ورود غلامان و کنیزان سفید از منطقه قفقاز و ماورای آن کاهش محسوسی یافت؛ زیرا روس‌ها پس از تصرف قفقاز و انعقاد قرارداد ننگین ترکمن چای با دولت ایران در سال ۱۲۴۳ قمری، خرید و فروش مردان و زنان قفقازی را ممنوع کردند. بردگان سیاه‌پوست از قومیت‌های مختلفی چون زنگی، حبشی، سهیلی و نوبی بودند که از راه تجارت و خرید و فروش تأمین می‌شدند. حمل‌ونقل آنها به ایران نیز از راه زمینی یا دریایی صورت می‌گرفت. بخشی از این بردگان را حجاج و زائران شهرهای مقدسی چون مکه، مدینه و کربلا از راه‌های زمینی به ایران منتقل می‌کردند؛ البته تعدادی از تجار برده نیز در غرب و جنوب غربی ایران از شهرهای غربی بغداد، کربلا، مکه و مدینه، بردگان آفریقایی را وارد بازارهای ایران می‌کردند. تعداد کمی از بردگان نیز از دمشق وارد ایران می‌شدند.

ورود بردگان آفریقایی تبار از اواسط قرن دوازدهم قمری به بعد قابل توجه است. با آغاز قرن سیزدهم و در طول حکومت قاجارها در ایران، تجار و دلالان برده، تعداد زیادی از این بردگان را از آفریقایی شرقی به بندرهای جنوبی ایران وارد کردند. از این تعداد، برخی در همین بندرها باقی می‌ماندند و بقیه نیز به نقاط مختلف ایران، به‌ویژه شهرهای بزرگ از جمله تهران، شیراز و اصفهان فرستاده

بر او و در نهایت ساخت اجتماعی تأثیرگذار بوده است؛ زیرا این عمل از یک‌سو به این معناست که با تغییر ترکیب یک گروه، نگرش‌های تعصب‌آمیز آن نیز تغییر کرده است. نشانه این تغییرات دامنه‌دار در افراد، آزادسازی‌های همراه با انگیزه در سطح وسیع است. نشانه تغییر ساخت نیز دگرگونی نظام بنده‌داری و الگوهای آن است؛ به گونه‌ای که با پیش از خود و با سیستم‌های این نظام در میان دیگر ملل شباهتی ندارد. در واقع اسلام با ایجاد و تقویت زمینه‌های عقیدتی و اخلاقی-ارزشی در افراد، تغییراتی اساسی در ساخت ایجاد کرد. همچنین با دگرگون کردن ساخت اجتماعی یا گروهی که انسان‌ها در آن می‌اندیشند و عمل می‌کنند، ارزش‌های فردی، نگرش‌ها و رفتار آنان را تغییر داد (شاهسوارانی و مرتضایی، ۱۳۹۵). با ظهور اسلام به‌مثابه ایدئولوژی جدید، جامعه با تغییرات بنیادین و ساختاری مواجه شد. این تغییر در دین، به دگرگونی دیگر نهادها انجامید و الگوهای مرتبط با آن نهادها نیز تغییر یافت؛ از جمله الگوهای بنده‌داری که تغییر در آن، قشر‌بندی‌های اجتماعی را دگرگون کرد (شاهسوارانی و مرتضایی، ۱۳۹۵).

با تغییر نظام بنده‌داری، این قشر خاص اجتماعی از منزلت‌ها و پایگاه‌های جدید اجتماعی برخوردار شد و به بسیاری از حقوق و آزادی‌های مدنی دست یافت که این امر یکی از خدمات کلان اجتماعی اسلام بود. بهترین مثال برای تشریح وضعیت غلامان در دوران اسلامی این است که بسیاری از آنان به مقام‌های بالای نظامی و اداری در دستگاه خلافت رسیدند، حتی برخی از آنها در حکومت‌های مستقل و نیمه‌مستقل اسلامی رشد کردند؛ مانند مؤسس سلسله غزنویان که خاستگاه غلامی داشت.

بررسی باستان‌شناختی نظام بنده‌داری براساس تحلیل محتوای اسناد و عکس‌ها

اسناد و مدارک در رویکرد باستان‌شناسی متون جایگاه ویژه‌ای دارند و نزدیک‌ترین ابژه باستان‌شناختی به کانتکت تاریخی مورد نظر محسوب می‌شوند. همچنین نکات ریز و دقیقی دارند که شاید در دیگر منابع تاریخی به‌ندرت یافت شود. در حال حاضر، آرشیوهای دولتی معتبرترین مراجع پژوهش‌های تاریخی هستند. از این میان، مرکز اسناد آرشیوی وزارت امور خارجه ایران یکی از غنی‌ترین مراکز اسناد تاریخی و سیاسی کشور محسوب می‌شود که عمده محتوای پژوهش حاضر نیز مبتنی بر اسناد یافت‌شده از این مرکز است. در گذشته، با توجه به اینکه کارگزاری‌های بندرهای جنوب زیر نظر وزارت امور خارجه کار می‌کردند، گزارش‌های بسیاری از وقایع و حوادث بندرها و جزایر به این وزارتخانه ارائه می‌شد. همچنین مکاتبات و تلگراف‌های سفارت بریتانیا در تهران، سفارت‌خانه‌های ایران در لندن و دیگر مکان‌ها در این وزارتخانه صورت می‌گرفت (تمام مکاتبات و پیام‌ها در بایگانی وزارت خارجه نگهداری شده است). تعداد و موضوع این اسناد فراوان و متنوع است.

حقی ناشی از قانون است که به‌موجب آن انسان می‌تواند مالک فردی دیگر شود. به‌دنبال تأسیس حکومت‌های سلطنتی، قانون به‌جای عرف خانواده‌ها و اراده رؤسای آنها قرار گرفت و بیشتر آداب و رسوم در قوانین کشورها وارد شد. یکی از این رسوم حق مالکیت بنده بود که برای مردم آزاد مدنظر قرار گرفت؛ به همین دلیل، حق اقتدار پدر به حق مالکیت تبدیل شد و بردگی ناشی از قانون در میان مردم شناخته و پذیرفته شد (شاهسوارانی و مرتضایی، ۱۳۹۵).

بنده‌داری در تفکر اسلامی

از دیدگاه بیشتر جامعه‌شناسان، اندیشه‌ها و ایدئولوژی‌ها از عوامل تأثیرگذار به شمار می‌آیند. اسلام ایدئولوژی فعالی است که تغییرات بسیاری در نظام اجتماعی، از جمله دگرگونی نظام بنده‌داری ایجاد کرده است. این ایدئولوژی از راه‌های گوناگونی مانند تسهیل و هدایت دگرگونی منجر به تغییر شده است. در واقع ایدئولوژی مذکور و ظرفیت‌های آن مؤثرترین عوامل و نیروی محرکه‌ای هستند که وضعیت بنده‌داری را تغییر دادند. به کمک عامل مذکور، مسیر جدید مشروع و معتبر شد و هدایت رفتارهای منتهی‌شونده به تغییرات پیش‌بینی‌شده صورت گرفت (همان). همچنین به‌منظور حصول این هدف، زمینه‌های هم‌بستگی بیشتری فراهم شد و به‌دنبال ایجاد انگیزه در افراد، جامعه با تضاد روبه‌رو شد (تضاد میان ایدئولوژی مذکور با واقعیت)؛ در نتیجه افراد مجبور شدند به رفع مشکل بپردازند و اهداف و رفتارهای خاصی را اختیار کنند. از سوی دیگر، اسلام با وجود موانع بسیار در دگرگونی نظام بنده‌داری مانند نظام ارزش‌ها، قشر‌بندی انعطاف‌ناپذیر، نابرابری‌های اجتماعی، نفوذ برخی افراد و گروه‌ها در این نظام و... توانست تغییرات بسیاری در آن ایجاد کند و بر عوامل روانی و اجتماعی مسلط شود.

تغییرات نظام بنده‌داری سریع و فراوان بود، اما هرگز سبب آسیب‌های جدی روانی و تعارض فرهنگی در جامعه نشد (همان)؛ به‌ویژه اینکه در صدر اسلام، افراد در تسریع این جریان مؤثر بودند و زمینه‌های دگرگونی‌های ساختی را در این نظام پدید آوردند. این امر نشان می‌دهد اسلام در هدف قراردادن فرد به‌مثابه هدف دگرگونی موفق بوده است. این ایدئولوژی به‌قدری پذیرفته شده بود که حتی سرعت بیش از این نیز موجب آسیب‌زایی نمی‌شد؛ درحالی‌که حرکت شتابان یا بسیار کند تغییرات سبب آسیب‌زایی می‌شود (شاهسوارانی و مرتضایی، ۱۳۹۵).

هدف دگرگونی در سه سطح فرد، گروه و ساخت اجتماعی اثرگذار بوده است، اما شاید از گزاره‌های ارزشی قرآن و سیره پیامبر و امامان شیعه (ع) استنباط شود که فرد و ساخت اجتماعی، هدف ابتدایی دگرگونی بوده‌اند؛ البته نقش گروه نیز به‌عنوان عاملی واسطه همیشه مدنظر بوده است؛ برای نمونه می‌توان تصمیم‌گیری درباره جایگیری بندگان در خانواده‌ها را هدف قرار گرفتن فرد دانست که

جدول ۱. مقوله‌بندی عکس‌ها براساس جنسیت

فرآوانی / پراکندگی		جنسیت
۷۶ عکس		مرد
۲۲ عکس		زن
۲۰ عکس		
فرآوانی / پراکندگی	جنسیت	غلام‌بچگان
۱۰	پسر	
۲	دختر	
۸	نامشخص	

بخش دیگری از اسناد استفاده‌شده در این پژوهش، از مجلس شورای اسلامی و مرکز اسناد ملی به دست آمده است. از مجموع ۶۷۳ سند ثبت‌شده در این پژوهش، ۴۲۱ سند از مرکز اسناد آرشیوی وزارت امور خارجه (هفت مورد آن در چندین صفحه به زبان فرانسه است)، ۱۶۹ سند از سازمان اسناد ملی ایران، ۸۰ سند از سازمان اسناد ملی ایران و ۳ سند به همراه بخش‌هایی از نسخه خطی جیزه‌التحریر (نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ۸۸۹۵، کتابت ۱۲۴۵ ق) فراهم شده است. این اسناد شامل نمونه‌ای از نوشته‌های شرعی درمورد خرید و فروش و نامه آزادی غلام و کنیز است که ارزش این پژوهش را افزون کرده‌اند. در پایان، اسناد مذکور پس از ثبت و ضبط و تشکیل بانک جامع اطلاعات آماری مقوله‌بندی شدند. سپس به دلیل هم‌پوشانی بسیاری از این اسناد در مقولات، ۷۵ سند جداسازی شد و در این نوشتار قرار گرفت.

بخش دیگری از اسناد استفاده‌شده در این پژوهش، از مجلس شورای اسلامی و مرکز اسناد ملی به دست آمده است. از مجموع ۶۷۳ سند ثبت‌شده در این پژوهش، ۴۲۱ سند از مرکز اسناد آرشیوی وزارت امور خارجه (هفت مورد آن در چندین صفحه به زبان فرانسه است)، ۱۶۹ سند از سازمان اسناد ملی ایران، ۸۰ سند از سازمان اسناد ملی ایران و ۳ سند به همراه بخش‌هایی از نسخه خطی جیزه‌التحریر (نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ۸۸۹۵، کتابت ۱۲۴۵ ق) فراهم شده است. این اسناد شامل نمونه‌ای از نوشته‌های شرعی درمورد خرید و فروش و نامه آزادی غلام و کنیز است که ارزش این پژوهش را افزون کرده‌اند. در پایان، اسناد مذکور پس از ثبت و ضبط و تشکیل بانک جامع اطلاعات آماری مقوله‌بندی شدند. سپس به دلیل هم‌پوشانی بسیاری از این اسناد در مقولات، ۷۵ سند جداسازی شد و در این نوشتار قرار گرفت.

در پژوهش حاضر، عهد، قرارنامه‌ها، اسناد ازدواج، فرمان‌ها و مکاتبات سیاسی و گاه محرمانه سفارت و کارگزاران انگلیس با وزارت امور خارجه و سایر امرای دولت ایران از جمله محمد شاه، ناصرالدین شاه، حاجی میرزا آغاسی، امیرکبیر و میرزا آقاخان نوری، صدور ایران و سایر مأموران دولت قاجار درباره برده‌فروشی در خلیج فارس و مسائل مربوط به آن و دیگر اسناد مطالعه‌شده در این پژوهش از مقولات استخراج‌شده در این پژوهش هستند. این

عکس‌ها

براساس مقوله‌بندی عکس‌های ثبت‌شده با رویکرد تحلیل محتوا، از مجموع ۲۳۷ عکس جمع‌آوری‌شده که در بانک جامع اطلاعات آماری این پژوهش ضبط شده است، ۱۱۱ عکس استفاده شد که دلیل آن هم‌پوشانی و یکسانی برخی عکس‌ها بود. از مجموع ۱۱۱ عکس ثبت‌شده نیز حدود ۴۵ عکس انتخاب و از میان آنها مقولاتی برای بررسی استخراج شد که محوریت اصلی آنها بر پایه و محوریت بدن و جنسیت است. بر پایه تقسیم‌های جنسیتی، از مجموع ۱۱۱ عکس، ۷۶ عکس متعلق به مردان، ۲۲ عکس متعلق به زنان و ۱۳ عکس متعلق به غلام‌بچگان است. (جدول شماره یک) از این میان سه مقوله برای مردان استخراج شده است؛ مردان به‌منزله ابژه‌ای با سطح بالا، مردان به‌عنوان ابژه‌ای^۲ با سطح رو به بالا و کاربرد و مردان به‌مثابه ابژه‌ای یکسان. از این میان، مردان به‌عنوان ابژه‌ای با سطح بالا به دو زیرمجموعه عکس‌های فردی (نشان‌دهنده عادت‌واره^۳ اجتماعی، جایگاه و...) با چهارده عکس، و دسته‌جمعی (ابژه‌های سطح رو به بالا یا گاه بینابینی^۴) با ۱۳ عکس تقسیم می‌شود (جدول شماره ۲). مقوله مردان به‌عنوان ابژه‌ای

۱. فهرست مختصر نسخه‌های کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ص ۴۲۸ (این کتاب همراه کتاب منشآت سلیمانی در یک مجلد صحافی شده است).

۲. Object که معادل لاتین آن Objicere است، خود را در مقابل مفعول گذاردن است. ابژه به معنای مفعول و چیزی است که فعل بر آن واقف می‌شود، یا مورد بحث و شناسایی قرار می‌گیرد؛ به همین دلیل در بسیاری متون ابژه را متعلق شناسایی یا ادراک ترجمه می‌کنند؛ یعنی چیزی که حاصل ادراک بوده است و بر اثر این حصول معلوم شده و به عینیتی اعتباری دست می‌یابد (ریترز و جورج، ۱۹۷۳: ۵۲).

3. Habitus

۳. قشر متوسط که مهم‌ترین صفت ممیزه آن حقوق و شیوه زندگی است، در جامعه‌شناسی قشربندی امروز دو تعبیر از طبقه متوسط وجود دارد: در نخستین آنها تأکید می‌شود طبقه متوسط، طبقه‌ای است گسترده که دستمزد و شرایط کاری آن مطلوب‌تر از طبقه کارگر است، اما موقعیت مالی آن از طبقه بالا نازل‌تر است. به عقیده این گروه دلیل مطلوب بودن وضعیت طبقه متوسط در بازار داشتن مهارت‌های آموزشی و فنی اوست. در دومین تعبیر از طبقه متوسط که از رواج بیشتری برخوردار است، این باور وجود دارد که طبقه متوسط متشکل از افسار متفاوت و مجزا از یکدیگر است که بخش فراوانی از آن بخشی از طبقه کارگر است و بخش کوچک‌تر آن به طبقه بالا تعلق دارد و در این میان گروه ناچیزی در میانه قرار می‌گیرد. طبقه متوسط نیز با دریافت حقوق، از کارگری که دستمزد دریافت می‌کند متمایز می‌شود.

جدول ۲. مقوله‌بندی مردان به‌عنوان ابژه‌های با سطح بالا در عکس‌ها

مقوله / مقولات	فراوانی / پراکندگی
عکس‌های فردی	۱۴ عکس
عکس‌های دسته‌جمعی (ابژه‌های سطح رو به بالا یا گاه بینابینی)	۱۳ عکس

جدول ۳. مقوله‌بندی مردان به‌عنوان ابژه‌های کاربردی و سطح رو به بالا

مقوله / مقولات	فراوانی / پراکندگی
حامی یا حامیان	۱۲ عکس
دسته‌جمعی	۱۴ عکس
سپاهیان و تفنگداران	۷ عکس
جنسی مصرفی	۲ عکس

متفاوت در کنار سران و همدمان شاه مشاهده می‌شوند؛ افرادی سیه‌چرده و در مواقعی چروکیده، بلندبالا یا کوتوله که فاصله آنان در تصاویر با شاه بسیار کم است. اینها همان غلامان درگاه یا خواجهگان دربارند که پیش از اسلام وجود داشتند و تا آخرین روزهای قاجاریه به کار خود ادامه دادند. اسامی این خواجهگان به تناوب در تاریخ‌ها و اسناد آمده است؛ مانند عزیزالله‌خان خواجه، آغامحمدخان قصیر، آغابنده‌الله خواجه، حاجی مبارک، حاجی فیروز، حاجی سرورخان، اعتماد حرم و... در این میان، سایر سران و بزرگان به پیروی از شاه برای نشان دادن ثروت، از این خواجهگان استفاده می‌کردند که در اصل از بردگان سیاه بودند (تصاویر ۴-۱). از میان بردگان، خواجه‌ها گروهی مخصوص و متنفذ بودند که از آغاز جوانی (هفت تا ده‌سالگی) و پیش از فروش به صاحبان نهایی خود، اخته می‌شدند. وجود خواجه‌ها^۲ برای محافظت اندرون اجتناب‌ناپذیر بود. اندام آنان بیشتر زنانه بود و نداشتن ریش و سبیل حالت خاصی به چهره آنها می‌داد؛ به طوری که از روی ظاهر نمی‌شد سنشان را به‌درستی حدس زد (تصاویر ۷-۵) (جدول شماره ۲).

خواجه‌های سیاه از سایر سیاهانی که وارد ایران می‌شدند، عمر بیشتری داشتند (مرکز اسناد ملی، شماره ۳/۲۴۰۰۳۹۲۸۰/۳؛ مرکز اسناد وزارت امور خارجه، QH۱۳۲۲-۳-۴، QH۱۲۷۸-۹-۲۰-۵؛ پولاک، ۱۳۶۱: ۱۷۸-۱۷۷). آنها به کج‌خلقی، طماعی، پول‌پرستی

کاربردی^۱ و سطح رو به بالا به چهار بخش حامی یا حامیان (۶ عکس)، دسته‌جمعی (۱۴ عکس)، سپاهیان و تفنگداران (۱ عکس) و مردان به‌عنوان ابژه‌های جنسی و مصرفی^۲ (۲ عکس) تقسیم شده‌اند (جدول شماره ۳). مردان به‌عنوان ابژه‌های یکسان نیز به ۸ عکس تقسیم شده‌اند (جدول شماره ۴).

در مقوله مربوط به غلام‌بچگان می‌توان به چهار مقوله ابژه مصرفی (۸ عکس)، ابژه تربیتی^۳ (۴ عکس)، غلام‌بچگان به‌عنوان ابژه سطح بالا (۱ عکس فردی و ۶ عکس دسته‌جمعی) و غلام‌بچگان به‌عنوان ابژه‌های کاربردی (۱ عکس دسته‌جمعی و ۶ عکس حامی یا حامیان) اشاره کرد (جدول شماره ۵). در مقوله مرتبط با کنیزان و زنان درگیر با کنسپت بنده‌داری در دوره قاجار، دو مقوله زنان به‌عنوان ابژه‌های با سطح بالا و ابژه‌های کاربردی و سطح رو به بالا مطرح است. در مقوله اول، دو زیرمجموعه عکس‌های فردی و نشان‌دهنده عادت‌واره‌ها، جایگاه و غیره با ۳ عکس، و ابژه‌های سطح رو به بالا یا گاه بینابینی نیز با ۳ عکس دسته‌جمعی وجود دارد (جدول شماره ۶). در مقوله دوم نیز ۳ عکس را حامی یا حامیان شامل لئه، ننه و دایه دربرگرفته است (جدول شماره ۷). همچنین مقوله‌ای نیز با عنوان مردان و زنان به‌عنوان ابژه‌هایی حقیقی و یکسان با ۹ عکس استخراج شده است (جدول شماره ۸).

در عکس‌های تاریخی دوره قاجار، برخی چهره‌هایی خاص و

۱. مفعولی که برای کاری از پیش تعیین‌شده و بر اساس یک عرف معمول به کاری گمارده یا از آن بهره‌کشی می‌شود. بدن در اینجا ابژه و رام‌شده است.

۲. مفعولی که از بدن او به‌عنوان ابزاری برای بهره‌کشی جنسی استفاده می‌شود.

۳. مفعولی که از ابتدا و از کودکی تحت نظر مالک یا کارفرمای خود تربیت می‌شود.

۴. به عقیده نگارندگان این دست از بردگان به‌دلیل جایگاه و قدرت خاص خود ابژه‌هایی سطح بالا هستند. بر این اساس خواجه‌باشی، خواجه‌سرایان و دیگر خواجهگان واقع در اندرونی و بیرونی حرم‌سراها در این گروه قرار می‌گیرند.

جدول ۴. مقوله‌بندی مردان به‌منزلهٔ ایزه‌ای یکسان در عکس‌ها

مقوله / مقولات	فراوانی / پراکندگی
ایزه‌های یکسان	۸ عکس

جدول ۵. مقوله‌بندی غلام‌بچگان در عکس‌ها

مقوله / مقولات	فراوانی / پراکندگی
ایزه مصرفی (جنسی)	۴ عکس
ایزه تربیتی	۲ عکس
مقوله / مقولات	فراوانی / پراکندگی
عکس‌های فردی	۱ عکس
عکس‌های دسته‌جمعی	۶ عکس
مقوله / مقولات	فراوانی / پراکندگی
دسته‌جمعی	۱ عکس
حامی یا حامیان	۶ عکس

جدول ۶. مقوله‌بندی زنان به‌منزلهٔ ایزه‌ای با سطح بالا در عکس‌ها

مقوله / مقولات	فراوانی / پراکندگی
عکس‌های فردی	۷ عکس
عکس‌های دسته‌جمعی (ایزه‌های سطح رو به بالا یا گاه بینابینی)*	۱۰ عکس

* مردم در همهٔ دوره‌ها به برترش‌مردن نوع خود در نژاد و فرهنگ و اعمال تعصب و تبعیض علیه کسانی که با آنها تفاوت داشتند، متمایل بودند. آنچه نژادپرستی واقعی را از چنین تفاوتی متمایز می‌کند، این است که آن را در مناسبات قدرت و حکومت در جوامع ناهمگن نهادینه کنند. همان‌گونه که در آمریکا و آفریقای جنوبی رخ داد. همچنین از نظر ایدئولوژیکی و تشکیلاتی موجه کنند که در این عرصه بیشترین مشروعیت خود را از داروینیسیم اجتماعی می‌گیرند. نهادینه‌کردن بدان معنی است که در وهلهٔ اول آن را از نظر قانونی به رسمیت بشناسند یا مورد اغماض قرار دهند؛ یعنی نژادپرستی را از حمایت تفاسیر دینی (ولو ناقص) برخوردار کنند و در نظم و نسق عمل اجتماعی و نگرش‌های مرسوم منعکس سازند. واضح‌ترین نمونه‌ها در آلمان نازی و آفریقای جنوبی دیده شده است. سرانجام و در موارد اندک، نژادپرستی در ساختار اجتماعی برای خدمت به هدف اقتصادی مشخص ادغام می‌شود. در مجموع، نژادپرستی محصول یک نیاز غربی سکولار است که به‌منظور اکتشاف، آگاهی و کنترل، مشخص و متمایز شوند.

جدول ۷. مقوله‌بندی زنان به‌عنوان ایزه‌ای کاربردی در عکس‌ها

مقوله / مقولات	فراوانی / پراکندگی
حامی یا حامیان تحت عنوان لایه، دده، ننه، دابه و...	۵ عکس

جدول ۸. مقوله‌بندی مردان و زنان به‌منزلهٔ ایزه‌ای حقیقی و یکسان در کنار یکدیگر

مقوله / مقولات	فراوانی / پراکندگی
مردان و زنان، ایزه‌های یکسان در کنار یکدیگر	۹ عکس



تصویر ۳. البسهٔ بندگان آفریقایی در ایران دورهٔ قاجار نشان می‌دهد آنها به شاه یا افراد رده‌بالای دربار تعلق داشتند. منبع: آرشیو مدرن کانفلیکت لندن



تصویر ۲. مظفرالدین شاه به همراه ملازمان دربار که سه نفر آنان را خواجهگان دربار تشکیل می‌دهند. منبع: آرشیو مدرن کانفلیکت لندن



تصویر ۱. ناصرالدین شاه به همراه بندگان محبوب، در سمت چپ او سه بندهٔ آفریقایی تبار و بانفوذش دیده می‌شوند. منبع: آرشیو مدرن کانفلیکت لندن



تصویر ۶. ساختمان بدنی خواجه‌ها بیشتر زنانه بود و صورت بدون ریش و سیبیل حالت خاصی به آنها می‌داد. منبع: مرکز مطالعات تاریخ معاصر ایران



تصویر ۵. ساختمان بدنی خواجه‌ها بیشتر زنانه بود و صورت بدون ریش و سیبیل حالت خاصی به آنها می‌داد. منبع مرکز مطالعات تاریخ معاصر ایران



تصویر ۴. احمد شاه قاجار به همراه ملازمان و درباریان قاجار که در میان آنها بندهٔ آفریقایی بانفوذ احمدشاه قرار دارد. منبع: مرکز مطالعات تاریخ معاصر ایران



تصویر ۹. حاجی سلیمان آقاباشی رئیس کل خواجه‌سرایان حرم و سیاست حرم‌خانهٔ شاه به اتفاق دو نفر از زنان وی. منبع: مرکز مطالعات تاریخ معاصر ایران



تصویر ۸. خواجه‌باشی یا رئیس خواجهگان حرم‌سرا که نبود ریش و سیبیل حالت خاصی به صورت او داده است. منبع: مرکز مطالعات تاریخ معاصر ایران



تصویر ۷. در مرکز تصویر، خواجه‌ای آفریقایی دیده می‌شود که نبود ریش و سیبیل حالت خاصی به صورت او داده است. منبع: مرکز مطالعات تاریخ معاصر ایران

در این میان، میرزا تقی‌خان امیرکبیر حقوق سالانهٔ سرسام‌آور او را به ۲ هزار تومان تقلیل داد که موجب ناراحتی و شکایت وی از این امر شد. پس از سقوط امیر وضع او روبه‌راه شد و بار دیگر در سمت خواجه‌باشی قرار گرفت. در ماجرای که در سال ۱۲۷۵ قمری در طی سفر ناصرالدین‌شاه به ولایات در منطقهٔ حوض سلطان نزدیک قم رخ داد، آغابشیر به دلیل درگیری و در نتیجه زخمی کردن یکی از مقربان شاه (یحیی‌خان) در حالت مستی و رفتار توهین‌آمیز به شاه، دستگیر و به فرمان شاه سر از تنش جدا شد (مستوفی، ۱۳۷۷).

خواجه‌سرایان مراقب حیاط تحت ادارهٔ خانم خود بودند و گاهی هم همان‌جا منزل داشتند. این خانم‌ها خواجه‌ای متعین داشتند که سمت ریاست بر خواجه‌های تحت امر خود را داشتند و این سرخواجه‌ها تحت امر آغاباشی بودند. آغاباشی رئیس کل خواجه‌سرایان حرم بود و سیاست حرم‌خانهٔ شاه در دست او قرار داشت (مستوفی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۳۸۶) (تصویر ۹). دیگر زنان حرم نیز یک تا دو خواجه داشتند (تصویر ۱۰). زن‌های درجهٔ سوم خواجه نداشتند (مرکز آرشیوی اسناد وزارت امر خارجه: QH1264-6-6-3؛ QH1264-6-6-4) (معیرالممالک، بی‌تا).

این خواجه‌ها، به‌ویژه خواجه‌باشی و سرخواجه‌ها که بیشتر آنها زرخیده‌های ناصرالدین‌شاه بودند، موجب کافی داشتند. آنها غیر از اتاقی در اندرون، خانه‌هایی در شهر داشتند که در آن زندگی می‌کردند. ناصرالدین‌شاه هم که به وجود آنها احتیاج داشت و بالاخره دارایی آنها به خودش برمی‌گشت، از متمول کردن آنها مضایقه نمی‌کرد (مستوفی، ۱۳۷۷). با تمام این اوضاع، در دورهٔ ناصری از نفوذ و قدرت خواجهگان بسیار کاسته شد و خواجه‌های سفید از اندرون رانده شدند (پولاک، ۱۳۶۱). با وجود اینکه خواجه‌باشی در این زمان کلیدهای خزانهٔ سلطنتی را نگهداری می‌کرد و مراقب غذاهای مخصوص شاه بود، درآمدش بسیار محدود شد (همان). پس از واقعهٔ آغابشیر خواجه‌ها هر قدر هم که مورد توجه بودند، جرئت دخالت در کارهای دولتی را نداشتند (مستوفی، ۱۳۷۷)؛ البته به گفتهٔ ویلسن، به‌استثنای حرم‌سرای سلطنتی و شاهزادگان قاجار، هیچ‌یک از رجال دولتی حق نداشتند بیش از یک نفر خواجه در خانهٔ خود نگه دارند (ویلسن، ۱۳۶۳). در تصویر ۱۱ که شخص ناصرالدین‌شاه گرفته و پانویس شده است، گروهی از همسران او و خواجهگان در باغ حرم‌سرا در یکی از مجموعه‌های سلطنتی در شهرستانک به همراه پنج بردهٔ آفریقایی از جمله دو بزرگ‌سال احتمالاً آتیویایی و سه نوجوان، حاجی‌لال (اولین بردهٔ آفریقایی بزرگ‌سال در سمت راست)، مغرورخان (چهارمین بردهٔ آفریقایی بزرگ‌سال از سمت راست)، اسماعیل‌خان (اولین نوجوان بردهٔ سفیدپوست از سمت راست)، حاجی‌رحیم (دومین بردهٔ سفیدپوست از سمت راست، سردسته بردگان حرم‌سرا) دیده می‌شوند.

در تحلیل محتوای عکس‌ها و اسناد ضبط‌شده، مردانی از بردگان

و خساست معروف بودند و استعمال تریاک و مسکرات بزرگ‌ترین ضعف آنها محسوب می‌شد (ویلسن، ۱۳۶۳). بیشتر خواجهگان در عصر قاجار سیاهانی بودند که از آفریقا آورده می‌شدند (مرکز اسناد وزارت امور خارجه: QH1263-6-15-12، QH1263-6-24-8، QH1263-6-4-4)؛ البته قبل از آن، زمانی که ایرانی‌ها از قفقاز اسیر جنگی می‌گرفتند یا می‌خریدند، تعداد خواجه‌های سفیدپوست بسیار زیاد بود. پولاک می‌نویسد که آخرین خواجهٔ قفقازی در مدت اقامت من در تهران به سال ۱۲۷۲ قمری چشم از جهان پوشید (پولاک، ۱۳۶۱). گاهی نیز مقصران دولتی یا مجرمانی که مرتکب جنایتی همراه با تجاوز شده بودند، اخته می‌شدند. اگر کسی از این عمل سالم بیرون می‌آمد، می‌توانست در یکی از حرم‌سراها زندگی توأم با ناز و نعمت داشته باشد؛ چون خواجهٔ سفید به‌عنوان یکی از وسایل تجمل بسیار مورد علاقه بود (ویلسن، ۱۳۶۶)؛ مرکز آرشیوی اسناد وزارت امور خارجه: GH1256-K5-P3-2؛ GH1278-9-4-20-4).

در دورهٔ قاجار، خواجه‌باشی یا رئیس خواجهگان نفوذ فراوانی داشت (تصویر ۸)؛ حتی رجال عالی‌رتبه درباری هم برای او احترام قائل بودند و زنان شاه نیز به او احترام می‌گذاشتند؛ به این امید که این خواجه‌ها به حضور شاه فرستاده شوند؛ زیرا شاه هر زمان که دختر تازه‌ای در اختیار نداشت، با انتخاب خواجه‌باشی موافقت می‌کرد؛ بنابراین زنانی که به کمک خواجه‌باشی به خوابگاه شاه راه می‌یافتند، حق شناس او بودند و در صورتی که از او ناراضی می‌شدند، خواجه‌باشی را نابود می‌کردند (دروویل، ۱۳۶۵: ۵). گاهی خواجه‌سرای به درجه‌ای از شئون و لیاقت می‌رسید که مانند وزرا مورد عنایت و التفات ملوکانه واقع می‌شد (مرکز آرشیوی اسناد وزارت امور خارجه: QH1264-6-6-8؛ QH1263-6-12-2). چنین خواجه‌سرای در سایر ولایات می‌توانست در مجلس و شورای حاکم بلدیة حاضر شود و پس از استماع رأی حاکم و وزیر او موافق سلیقهٔ خود رأی بدهد (ویلسن، ۱۳۶۳: ۱۴۵-۱۴۴).

در دورهٔ ناصری خواجه‌های حرم‌سرا اعم از سیاه و سفید بیش از ۹۰ نفر بودند (معیرالممالک، بی‌تا: ۱۱). شاه هفت خواجهٔ مخصوص داشت؛ آغابشیر (حاجی مبارک) معروف به شمع قهوه‌خانه، مهراب‌خان، آغامحمدخان که همیشه به‌دنبال شاه بود، آغااعلامعلی، مقبل، اسماعیل‌خان و آغاصالح‌خان (همان، ۱۲). آغابشیر که خواجهٔ اول ناصرالدین‌شاه بود، با وجود مقررات قانونی که به خواجهگان اجازهٔ زن گرفتن نمی‌داد، پس از مرگ محمد شاه یکی از زیباترین همسران او را به زنی گرفت. او در کودکی به مادر ناصرالدین‌شاه هدیه داده شده بود؛ بنابراین زمانی که ناصرالدین‌شاه به سلطنت رسید، او را به سمت ریاست خواجهگان (خواجه‌باشی) برگزید. آغابشیر امکانات فراوانی داشت و از آنجا که به زنان اندرونی بسیار سخت می‌گرفت، تحت فشار آنان ناچار شد سمت خود را تغییر دهد.



تصویر ۱۲. ناصر قلی‌خان، نوه ناصرالدین شاه در بغل عبدالله‌خان خواجه که حامی و مراقب ناصر قلی‌خان بود. منبع: مؤسسه مرکز مطالعات تاریخ معاصر ایران



تصویر ۱۱. در این عکس که شخص شاه گرفته و پانویس شده، گروهی از همسران او و خواجگان در باغ حرم‌سرا در یکی از مجموعه‌های سلطنتی در شهرستانک همراه با پنج برده آفریقایی از جمله دو فرد بزرگسال، احتمالاً اتیوپیایی و سه نوجوان. عکاس: ناصرالدین شاه، منبع: کاخ‌موزه گلستان



تصویر ۱۰. یکی از زنان حرم‌سرا به همراه خواجه شخصی آفریقایی. منبع: مرکز مطالعات تاریخ معاصر ایران



تصویر ۱۵. یکی از نوه‌های دختری ظل‌السلطان (شاید نیم‌تاج خانم) به همراه برده آفریقایی اش. منبع: آرشیو مدرن کانفلیکت لندن



تصویر ۱۴. در این عکس، چهار برده آفریقایی بزرگسال دیده می‌شوند که به فرزندان اشراف‌زده چشم دوخته‌اند و مراقب آنها هستند. منبع: آرشیو مدرن کانفلیکت لندن



تصویر ۱۳. حاجی عبدالله خواجه، پرستار و مراقب اکبر میرزا که در تصویر گرفته شده در قمشلو دیده می‌شود. منبع: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران



تصویر ۱۸. تعدادی از خواجگان سیاه حرم‌سرای ناصر در قد و اندازه‌های مختلف. عکاس در این عکس خود شاه است. منبع: آرشیو مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران



تصویر ۱۷. این چهارده نفر از غلامان شاهی بودند که به یکی از شاهزاده‌های قاجار تعلق داشتند. بردگانی که اخته نبودند، گاهی در اختیار نیروهای نظامی افراد صاحب امتیاز قاجار قرار داده می‌شدند. منبع: آرشیو مدرن کانفلیکت لندن



تصویر ۱۶. یک اشراف‌زاده در کنار برده آفریقایی شخصی اش که خواجه است. منبع: کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران

بودند، در یک ردیف مقابل تخت می‌ایستادند، وزرا و افسران ایالت پشت آنها بودند و شاید بیشتر از دو هزار نفر غلام شاهی در محل عبور شاه جای می‌گرفتند (مرکز اسناد آرشیوی وزارت امور خارجه: GH۱۲۵۶-H۵-P۳-۱؛ QH۱۲۶۳-۶-۲۴-۳).

افزون بر افرادی که بیان شد، سوار کشیک‌خانه یا غلام کشیک‌خانه، محافظ ویژه ناصرالدین‌شاه و مأمور محافظت از کاخ شاه بود (مرکز اسناد آرشیوی وزارت امور خارجه: GH۱۲۶۳-۶-۱۲-۴؛ QH۱۲۶۳-۶-۲۴-۳؛ QH۱۲۶۳-۶-۲۴-۷) که کشیکچی باشی یا قوللر آقاسی باشی ریاست او را بر عهده داشت. کشیکچی باشی باید در سواری شاه ملازم رکاب سواران یا غلامان او در جلو و عقب کالسکه سلطنتی می‌بود (مرکز اسناد آرشیوی وزارت امور خارجه: QH۱۲۶۳-۶-۱۵-۱؛ QH۱۲۶۳-۶-۱۵-۹). این غلامان به همراه غلامان زرین‌کمر و مهدیه و منصور به دو هزار نفر می‌رسیدند (مستوفی، ۱۳۷۷). از این تعداد، ۲۰۰ تا ۳۰۰ نفر شاه را در عظیمت از شهر همیاری می‌کردند (پولاک، ۱۳۶۱). باید توجه داشت که بندگان ایران هرگز به کارهای دشوار مکلف نبودند، بلکه تنها به کارهای نسبتاً راحت خانگی می‌پرداختند (پولاک، ۱۳۶۱: ۱۷۳؛ شیل، ۱۳۶۲: ۲۱۴؛ ویلسن، ۱۳۶۳). اما این امر تنها در مورد اشراف و بزرگان شهری صحت داشت (جدول شماره ۳).

در قرن سیزدهم قمری در جنوب کشور و در منطقه خلیج فارس بهره‌کشی از غلامان متنوع‌تر از گذشته ادامه داشت:

۱. در جایگاه سرباز نیروهای محلی یا منطقه‌ای در شیراز، کرمان، بصره، بوشهر، بندرعباس، مسقط، یا جزایر بحرین (مرکز اسناد آرشیوی وزارت امور خارجه: QH۱۲۶۴-۶-۹؛ GH۱۲۶۳-۶-۱۲-۳؛ QH۱۲۶۳-۶-۲۴-۳؛ QH۱۲۶۳-۶-۲۴-۶؛ QH۱۲۶۳-۶-۲۴-۵؛ QH۱۲۶۳-۶-۱۵-۹).

۲. به‌منزله کارگر مزارع در جزایر بحرین، بصره و مسقط، یا به‌عنوان کارگر مزارع در جنوب ایران یا روستاهای ساحل خلیج فارس که در آنها محصولات صادراتی کشت و برداشت می‌شد (مرکز اسناد آرشیوی وزارت امور خارجه: QH۱۲۶۳-۶-۱۵-۱۳؛ QH۱۲۶۴-۶-۱-۶؛ QH۱۲۶۴-۶-۵؛ GH۱۲۰۳-۶-۹-۱۶؛ QH۱۲۶۹-۶-۱-۶-۲۲-۳؛ QH۱۲۷۸-۹-۲۰-۱؛ QH۱۲۷۸-۹-۲۲-۲؛ QH۱۳۲۲-۳-۴-۳۱).

۳. به‌عنوان کارگر سیستم‌های آبیاری در فارس، کرمان، جنوب و عمان (مرکز اسناد آرشیوی وزارت امور خارجه: QH۱۲۶۹-۷-۱-۲۲؛ QH۱۲۶۹-۷-۲۲-۲؛ QH۱۲۷۸-۹-۲۰-۱؛ QH۱۲۷۸-۹-۲۲-۲؛ QH۱۳۲۲-۳-۴-۳۱).

۴. به‌مثابه نوکر خانگی در شهرها و روستاهای حوزه خلیج فارس و مناطق کوهپایه‌ای جنوب ایران (مرکز اسناد آرشیوی وزارت امور خارجه، سری اسناد GH، QH، حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۶).

سیاه وارداتی به‌منزله حامی، مراقب و پرستار بچه‌های بزرگان و صاحبانشان مشاهده می‌شوند. در دوره قاجار، بچه‌داری و همراهی کردن با بچه‌های متعلق به خانواده سلطنتی و اشراف، از وظایف اصلی بردگان آفریقایی بود (مرکز اسناد آرشیوی وزارت امور خارجه: GH۱۲۵۶-K۵-P۳-۳؛ QH۱۲۷۸-۹-۲۰-۱/۱۴؛ QH۱۲۶۳-۶-۵-۲؛ QH۱۲۶۳-۶-۵-۴) (تصاویر ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵ و ۱۶). غلام شاهی یا نگهبان سلطنتی نیز گروهی از سواره‌نظامیان ویژه شاه بودند؛ بردگان آفریقایی که اخته نبودند و گاهی در اختیار نیروهای نظامی افراد صاحب امتیاز قاجار قرار داده می‌شدند (تصویر ۱۷). در دوره فتحعلی‌شاه حدود سه یا چهار هزار نفر معمولاً از غلامان گرجی و چرکس برگزیده می‌شدند، یا پسران امرا و اعیان ایرانی بودند (ملکم، ۱۳۶۲: ۱۷۹-۱۷۸؛ دروویل، ۱۳۶۵: ۲۶۱). استفاده از غلامان گرجی در نیروی نظامی به دوره صفویه برمی‌گردد. شاه تهماسب با تشدید اختلافات میان ترکمن‌های قزلباش و ایرانیان تاجیک، عنصری جدید را به‌عنوان نیروی سوم (مسیحیان قفقازی که غلامان یا قوللر خوانده می‌شدند) وارد تشکیلات نظامی صفویان کرد. این نیرو در دوره شاه عباس اول بسیار گسترش یافت. فرمانده لشکر غلامان، قوللر آقاسی نامیده می‌شد (سیوری، ۱۳۷۲: ۸۹). این روند در دوره قاجار نیز ادامه یافت.

در نیمه اول قرن نوزدهم، تعداد محافظان سلطنتی فتحعلی‌شاه به ده هزار نفر می‌رسید که این تعداد به علاوه سه تا چهار هزار نفر غلام شاهی بودند (Kinneir, 1973). هریک از شاهزادگان نیز به همین منوال گروهی غلام داشتند که موجب و مأموریت آنها مانند غلامان شاهی بود (ملکم، ۱۳۶۲: ۱۷۹-۱۷۸؛ دروویل، ۱۳۶۵: ۲۶۱؛ مرکز اسناد آرشیوی وزارت امور خارجه: QH۱۲۶۴-۶-۴؛ QH۱۲۶۴-۶-۷-۶؛ QH۱۲۶۴-۶-۷-۶؛ GH۱۲۶۳-۶-۱۲-۱). به گفته فریزر در زمان او محمدخان دنبلی «قوللر آقاسی» یا فرمانده غلامان بود (فریزر، ۱۳۶۴: ۱۰۸).

در ایالت مختلف، به‌ویژه در نواحی مرزی نیز از نیروی غلامان استفاده می‌کردند (مرکز اسناد آرشیوی وزارت امور خارجه: GH۱۲۹۹-۱۷-۹-۴؛ GH۱۲۹۹-۱۷-۹-۸؛ ۱۵/۱/۲۵/۵۴/۶ ج؛ GH۱۲۵۶-H۵-P۳-۱؛ GH۱۲۵-۴-P۳-۴؛ QH۱۲۶۳-۶-۱-۵). چنانکه به گزارش کنسول ابوت در میان نیروی منظم و تعدادی نیروهای نامنظم استرآباد ۱۵۰۰-۱۶۰۰ تفنگچی و بیشتر از صد نفر غلام سواره بودند که خدمات و شجاعتشان مثال‌زدنی بود. آنها معمولاً برای مقابله با تهاجم‌ها و شبیخون‌ها به حومه شهر استرآباد-که اغلب از سوی ترکمن‌های یموت و گوکلان صورت می‌گرفت- به کار گرفته می‌شدند (مرکز اسناد آرشیوی وزارت امور خارجه: GH۱۲۵۶-H۵-P۳-۱؛ QH۱۲۶۳-۶-۲۴-۳). همچنین در میان نیروی نظامی کرمان، ۴۰۰ غلام سواره حضور داشتند. وقتی شاه به یکی از ایالات می‌رفت، پسرانش که بسیار زیاد



تصویر ۲۱. یک دختر بچه برده آفریقایی به‌عنوان ابژه‌ای تربیتی در خانه شمس الشعرا (عبدالحسین میرزا شمس ملک‌آرا). منبع: آرشیو مدرن کانفلیکت لندن



تصویر ۲۰. بردگان خصی شده عموماً به حرم‌سرا راه می‌یافتند. این غلامان براساس مفهوم بدن در سطح رو به بالا در جایگاه اجتماعی خود قرار می‌گرفتند. منبع: آرشیو مدرن کانفلیکت لندن



تصویر ۱۹. تعدادی از خواجگان سیاه حرم‌سرای ناصری در قد و اندازه‌های مختلف در کنار دیگر غلامان و کنیزان با اصالت‌های متفاوت. عکاس در این عکس خود شاه است. منبع: آرشیو مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران



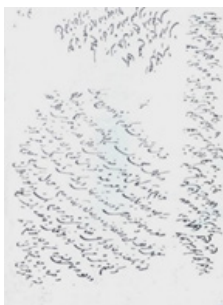
تصویر ۲۴. کنیزکان سیاه وارداتی به‌عنوان حامی، مراقب و پرستار بچه‌های بزرگان و صاحبان‌شان که ابژه‌ای کاربردی داشتند. منبع: آرشیو مدرن کانفلیکت لندن



تصویر ۲۳. قبادخان بختیاری (راست) و حسین‌خان بختیاری (چپ)، پسران رئیس ایل بختیاری (ایلخان خسرو ظفر بختیاری) به همراه برده آفریقایی خود که پرستار، مراقب و حامی بودند و ابژه‌ای کاربردی داشتند. منبع: آرشیو مدرن کانفلیکت لندن



تصویر ۲۲. تعداد ۵۳ برده خواجه با تبارهای قومیتی مختلف در آغاز کودکی به بازارهای محلی جنوب و به حرم‌سرای شاه فرستاده شده بودند که در میان آنها، چهار پسر بچه آفریقایی (غلام‌بچه‌ها) دیده می‌شوند. منبع: کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران



تصویر ۲۷. پیشنهاد پذیرفتن کنیز گرجی، ۱۲۸۶ ه. ق. منبع: سازمان اسناد ملی



تصویر ۲۶. زنان حرم‌سرای ناصری در حیاط‌های بزرگ کاخ شهرستانک. حیاط، حرم‌سرا را از بنای مخصوص مردان مجزا می‌کرد. در مرکز تصویر دو خواجه حرم‌سرا نیز دیده می‌شوند. منبع: آرشیو مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران



تصویر ۲۵. غلام‌بچه‌گان و کنیزکان سیاه وارداتی به‌عنوان حامی، مراقب و پرستار بچه‌های بزرگان و صاحبان‌شان که ابژه‌ای کاربردی داشتند. منبع: آرشیو مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

خارجه اشاره شده است (مرکز اسناد آرشیوی وزارت امور خارجه: QH۱۲۶۳-۶-۱۵-۷؛ QH۱۲۶۳-۶-۱۵-۱۱؛ QH۱۲۶۳-۶-۱۵-۱۰؛ QH۱۲۶۳-۶-۱۵-۸). از این میان، کودکانی که زنده می‌ماندند و به پانزده‌سالگی می‌رسیدند، یا اخته شده و به حرم‌سرا برده می‌شدند، یا بار دیگر از خلیج فارس به عمان برده می‌شدند تا برای صید مروارید به بازرگانان عمان فروخته شوند (مرکز اسناد آرشیوی وزارت امور خارجه: GH۱۲۹۹-۱۷-۱۰-۹؛ GH۱۲۹۹-۱۷-۱۰-۱۱). آمیزش اربابان با کنیزانشان به‌عنوان زن صیغه‌ای متولد می‌شدند. این کودکان نیز برده می‌ماندند، اما سطحی رو به بالا داشتند و بیشتر آنها از کودکی همراه با دیگر کودکان اربابان تعلیم و تربیت می‌شدند. در پایان نیز جایگاه بالاتری از بردگان دیگر داشتند و در مقام کارفرما در دربار یا نزد ملاکان و ثروتمندان و به نمایندگی از آنان مشغول به کار می‌شدند. براساس تحلیل محتوای عکس‌ها، لباس‌های این بردگان نشان می‌دهد آنها به شاه یا افراد رده‌بالای دربار تعلق داشتند (تصویر ۲۰).

ذکر این نکته ضروری است که ناصرالدین شاه علاقه ویژه‌ای به عکاسی از بردگان شخصی‌اش در حرم‌سرا داشت. در تصویر ۲۲ تعداد ۵۳ برده خواجه با تبارهای قومیتی مختلف وجود دارند که در آغاز کودکی به بازارهای محلی جنوب و حرم‌سرای شاه فرستاده شده بودند. در میان آنها، چهار پسر بچه آفریقایی (غلام‌بچه‌ها) دیده می‌شوند که می‌توان آنان را ابژه‌ای کاربردی تلقی کرد. در تصویر ۲۱ نیز بهرام‌میرزا (پسر ظل‌السلطان) روی صندلی در وسط نشسته و دو عضو دربارش (رضا قلی‌خان منشی شخصی او که در سمت راست نشسته و آقاباجی سردسته خواجهگان در سمت چپ او) به‌همراه هشت خواجه آفریقایی کنار او قرار دارند.

طراحی نیم‌تنه و کلاه بردگان آفریقایی را می‌توان نوعی جداسازی مبتنی بر نژاد^۱ و نشانه‌دار کردن بدن برده دانست. همان‌طور که ذکر شد، در تحلیل محتوای عکس‌ها و اسناد ضبط‌شده، بندگان سیاه وارداتی، حامی، مراقب و پرستار بچه‌های بزرگان و صاحبانشان بودند. در این میان کودکانی از همین بندگان نیز مراقبت و پرستاری بچه‌های بزرگان و صاحبانشان را بر عهده داشتند. این غلام‌بچه‌ها و کنیزکان را می‌توان ابژه‌هایی کاربردی و ابژه‌هایی تربیتی در نظر گرفت. گفتنی است مالکیت بنده در ایران از سلسله قاجار فراتر می‌رفته و به رؤسای قبایل نیز می‌رسیده است (تصویر ۲۵-۲۳) (جدول شماره ۵).

حرم‌سرا بنایی مجزا و مستقل به شمار می‌آمد که با دیوارهای بلند

۵. به‌عنوان ابژه جنسی در بغله و لنج‌های شناور در آب‌های خلیج فارس (مرکز اسناد آرشیوی وزارت امور خارجه: QH۱۲۶۳-۶-۱۵-۷؛ QH۱۲۶۳-۶-۱۵-۱۱؛ QH۱۲۶۳-۶-۱۵-۱۰؛ QH۱۲۶۳-۶-۱۵-۸).

گفتنی است در مناطق شهری، به‌ویژه تهران و سایر شهرهای بزرگ، غلامان و کنیزان سیاه و سفید به دربار و حرم‌سرای شاه و شاهزادگان، اشراف، بزرگان و حکام محلی راه می‌یافتند. همچنین براساس اسناد به‌دست‌آمده، بهره‌کشی جنسی از مردان بالغ نیز در برخی موارد گزارش شده است (مرکز اسناد آرشیوی وزارت امور خارجه: QH۱۲۶۳-۶-۱۵-۱۰؛ QH۱۲۶۳-۶-۱۵-۸؛ QH۱۲۶۴-۶-۶-۶).

براساس تحلیل محتوای عکس‌ها و اسناد آرشیوی بررسی‌شده در این پژوهش، همه مردان بنده سیاه وارداتی در ایران در دوره قاجار، فارغ از مقام و صاحبانشان در کانسپت بندگی قرار داشتند. بدن بردگان در این رویکرد و از دیدگاه اسلام ابتدا عنصری بر مصرف، سپس عنصری بر تولید بود (مرکز اسناد آرشیوی وزارت امور خارجه: QH۱۲۶۳-۶-۲۴-۲؛ GH۱۲۶۸-۶-۴۰-۲؛ GH۱۲۹۷-۱۶-۱۱-۸). در همه عکس‌های آرشیوی و ضبط‌شده در این پژوهش، که بردگان مرد در کنار یکدیگر قرار دارند، بدن‌ها فارغ از جایگاه ابژه‌هایی یکسان هستند که بر بندگی تام دلالت دارند (تصویر ۱۸) (جدول شماره ۴).

تلخ‌ترین سهم زندگی برای بردگان سیاه وارداتی به ایران متعلق به غلام‌بچه‌هاست. این گروه در دوره قاجار گران‌ترین نوع بندگان بودند که سرنوشت شومی داشتند. براساس اسناد بررسی‌شده در این پژوهش، قیمت غلام‌بچه‌گان هشت تا دوازده‌ساله ۳۱ دلار و دوازده تا پانزده‌ساله ۲۹ دلار بود. این غلامان بین دوازده تا هجده‌سالگی اخته می‌شدند و عموماً به حرم‌سرا راه می‌یافتند. همچنین براساس مفهوم بدن در سطح رو به بالا در جایگاه اجتماعی خود قرار می‌گرفتند (تصویر ۱۹)، اما نکته بسیار مهم، بهره‌وری از برخی غلام‌بچه‌ها به‌عنوان ابژه‌ای مصرفی است. براساس اسناد، صاحبان بغله یا ناخدایان بردگانی را که با کشتی از آفریقا به ایران وارد می‌شدند، تنها برای بهره‌کشی جنسی استفاده می‌کردند؛ زیرا کشتی‌ها زمان زیادی را میان آب‌های دو قاره قرار داشتند.

چهار سند از شش سند به‌دست‌آمده در این پژوهش در مورد بهره‌کشی از این بندگان است. در این اسناد، به بهره‌کشی جنسی متناوب و خونریزی بردگان به دست کارگزاری‌های وزارت امور

۱. مردم در همه دوره‌ها به برترش‌مردن نوع خود در نژاد و فرهنگ و اعمال تعصب و تبعیض علیه کسانی که با آنها تفاوت داشتند، متمایل بودند. آنچه نژادپرستی واقعی را از چنین تفاوتی متمایز می‌کند، این است که آن را در مناسبات قدرت و حکومت در جوامع ناهمگن نهادینه کنند. همان‌گونه که در آمریکا و آفریقای جنوبی رخ داد. همچنین از نظر ایدئولوژیکی و تشکیلاتی موجه کنند که در این عرصه بیشترین مشروعیت خود را از داروین‌یسم اجتماعی می‌گیرد. نهادینه کردن بدان معنی است که در وهله اول آن را از نظر قانونی به رسمیت بشناسند یا مورد اغماض قرار دهند؛ یعنی نژادپرستی را از حمایت تفاسیر دینی (ولو ناقص) برخوردار کنند و در نظم و نسق عمل اجتماعی و نگرش‌های مرسوم منعکس سازند. واضح‌ترین نمونه‌ها در آلمان نازی و آفریقای جنوبی دیده شده است. سرانجام و در موارد اندک، نژادپرستی در ساختار اجتماعی برای خدمت به هدف اقتصادی مشخص ادغام می‌شود. در مجموع، نژادپرستی محصول یک نیاز غربی سکولار است که به‌منظور اکتشاف، آگاهی و کنترل، مشخص و متمایز شوند.



تصویر ۳۰. کنیزی از کنیزان دربار قاجار که به‌عنوان دایه و دده در حرم‌سرا خدمت می‌کرد. منبع: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران



تصویر ۲۹. کنیزها علاوه بر وظایفی که در برابر خانم‌هایشان داشتند، هریک مسئول کار ویژه‌ای در حرم‌سرا بودند. این کاریکاتور متعلق به هفته‌نامه ملانصرالدین است که کنیزی در حال رقصیدن در حرم‌سرا به تصویر کشیده شده است. منبع: شاهسوارانی و مرتضایی، in press



تصویر ۲۸. خریداری کنیز به پیشنهاد یکی از درباریان برای ناصرالدین شاه. منبع: سازمان اسناد ملی



تصویر ۳۳. سنبل‌باجی که تبار آفریقایی داشت، در یک حرم‌سرا متولد شد و در همان کودکی از بارگاه آخرین شاه قاجار آزاد شد. منبع: آرشیو مدرن کانفلیکت لندن



تصویر ۳۲. در تصویر فوق، کاریکاتوری از هفته‌نامه ملانصرالدین مشاهده می‌شود که در آن می‌توان مقوله تعدد زوجات و بهره‌وری از کنیزان را به‌عنوان صیغه و خدمتکار دید. منبع: شاهسوارانی و مرتضایی، in press



تصویر ۳۱. اقل (اُغول) بگه‌خانم، کنیزی آفریقایی تبار از کنیزان دربار قاجار. منبع: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

شماره ۶).
افراد بسیاری، به‌ویژه کارکنان درباری یا حتی نزدیکان شاه، برای چاپلوسی یا کسب مال و مقام، هرچند دختر، کنیز، یا حتی زن همسر دار زیبایی می‌یافتند، به شاه یا حتی یکی از خواجۀ سران حرم‌سرا گزارش می‌دادند (سازمان اسناد ملی، ۲۹۵،۳/۱۵۷۸). (تصویر ۲۷). حتی در مواردی، شخص شاه به برخی زیردستانش دستور می‌داد کنیز یا کنیزانی با ویژگی‌های مورد نظر خریداری کنند (سازمان اسناد ملی، ۲۹۵،۳/۱۵۳۵/۱). (تصویر ۲۸). زانی که به‌دلیل زیبایی خود وارد حرم‌سرا می‌شدند، در بیشتر مواقع به جمع زنان صیغه‌ای شاه می‌پیوستند.

محصور شده بود و زنان و بچه‌ها در آن زندگی می‌کردند (دروویل، ۱۳۶۵). این قسمت از چشمان نامحرم و کنجکاو هر فرد خارجی محفوظ بود و تنها رئیس خانواده حق ورود به آنجا را داشت و زمانی که وی در اندرون بود و استراحت و تفریح می‌کرد، هیچ‌کس اجازه نداشت درب اندرون را باز کند (سازمان اسناد ملی، ۲۹۵،۳/۱۵۳۵/۱؛ بنجامین، ۱۳۶۹). حیاط‌های بزرگ که عموماً باغ‌های بسیار بزرگی بودند، حرم‌سرا را از بنای مخصوص مردان مجزا می‌کردند (همان، ۶) (تصویر ۲۶). زنان حرم‌سرا، به‌ویژه حرم‌سرای شاهی از طبقات و نژادهای مختلف بودند؛ چنان‌که بیش از چهار نفر از زنان دائمی و صیغه فتح‌علی شاه، گرجی، ارمنی یا ترکمن بودند که زرخرید، اسیر جنگی یا پیشکش محسوب می‌شدند (عضدالدوله، ۱۳۵۵) (جدول

برای رشد مفاسد بی‌شمار به شکل شاهزادگان جوان‌تر» (فریزر، ۱۳۶۴). ابوت^۱ در این مورد می‌نویسد:

«... زمانی که من در کمپ ایرانی‌ها بودم، دو زن یموت که توسط گوکلان‌ها اسیر شده بودند، به نزد حاکم استرآباد آورده شدند که وی یکی از آنها را به حرم خود استرآباد و دیگری را به حرم والا حضرت اردشیر میرزا فرستاد. به گفته وی، نیمی از کل اسرای که توسط گوکلان‌ها از خراسان گرفته می‌شدند و گاهی به خود ایرانی‌ها فروخته می‌شدند، توسط حاکم استرآباد خریداری می‌شد...» (سازمان اسناد ملی، ۱/۱۵۷۸/۳/۲۹۵).

براساس تحلیل محتوای اسناد و عکس‌های آرشیوی، همه بردگان سیاه و سفید وارداتی به ایران و در حوزه مطالعاتی در دوره قاجار فارغ از مقام و صاحبان خود در کانسیت بندی قرار داشتند. بر این اساس و از دیدگاه اسلام، بندگان ابتدا عنصری برای مصرف و پس از آن عنصری به‌منظور تولید بودند. در همه عکس‌های آرشیوی و ثبت‌شده در این پژوهش، که در آنها زنان و مرد در کنار یکدیگر قرار دارند، بدن‌ها فارغ از موقعیت و جایگاه، ایزه‌هایی یکسان هستند که بر بندی تام دلالت دارند (تصاویر ۱۱، ۱۹، ۲۵، ۳۴) (جدول شماره ۸).

عادت‌واره‌ها در نظام بنده‌داری دوره قاجار

عادت‌واره «نوعی آمادگی عملی، نوعی آموختگی ضمنی، نوعی فراست، نوعی تربیت‌یافتگی اجتماعی از نوع ذوق و سلیقه است که به عامل اجتماعی این امکان را می‌دهد روح قواعد، آداب، جهت‌ها، روندها، ارزش‌ها، و دیگر امور حوزه خاص خود (حوزه علمی، اقتصادی، ورزشی، هنری، سیاسی ...) را دریابد، درون آن پذیرفته شود، جا بیفتد و منشأ اثر شود» (بوردیو، ۱۳۸۰). اگر فضای اجتماعی را متشکل از سطوح یا نقاط بدانیم، هر سطح یا نقطه از این فضا سطحی از عادت‌واره‌ها (سلیقه‌ها) دارد که بر اثر شرایط اجتماعی مناسب با آن به وجود آمده است. منظور از عادت‌واره، مجموعه طرح‌واره‌هایی است که انسان در زندگی خود براساس برخورد با محیط‌های مختلف کسب می‌کند؛ مانند چگونه غذا خوردن، چگونه لباس پوشیدن، چگونگی ارتباطات اجتماعی، ذوق و مشغولیات انسان (بوردیو به نقل از منادی، ۱۳۸۵)؛ بنابراین عادت‌واره‌ها الگویی برای طبقه‌بندی و تقسیم‌بندی براساس نگرش‌ها و سلیقه‌ها و محصول فعالیت تاریخی نسل‌های پی‌درپی هستند (بوردیو به نقل از منادی، ۱۳۸۵).

براساس آنچه بیان شد، می‌توان گفت هر شخص با توجه به سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی خود می‌تواند در موقعیت یا سطحی خاص در فضای اجتماعی قرار بگیرد که با دیگری متفاوت است. همچنین با توجه به آنکه هر موقعیت در فضای

افزون بر همسران (عقدی و صیغه‌ای) شاه و کودکانشان، کنیزان بسیاری نیز در حرم‌سرا زندگی می‌کردند که خدمتگذار سایر زنان بودند (دروویل، ۱۳۶۵). کنیزها علاوه بر وظایفی که در برابر خانم‌هایشان داشتند، مسئول کار ویژه‌ای در حرم‌سرا بودند و باید به خدمتکاری، کارگری حمام، اتاق‌داری، صندوق‌داری، رخت‌شویی، آوازخوانی و رقص‌دگی می‌پرداختند (تاج‌السلطنه، ۱۳۷۱: ۸؛ دروویل، ۱۳۶۵: ۶۸؛ مرکز اسناد آرشیوی وزارت امور خارجه: QH۱۲۶۳-۶-۱۵-۱؛ QH۱۲۶۳-۹-۱۵-۶-۱۱-۱۵-۶-۱۱) (تصویر ۲۹). عده‌ای دیگر نیز، که بیشتر سیاه‌پوست بودند، با عناوین مختلف از قبیل دده، ننه یا دایه، از کودکان خانم‌های خود نگهداری و مراقبت می‌کردند. در حرم‌سرای شاه بعد از تولد هر شاهزاده‌خانم، یک دده و یک خواجه برای مراقبت انتخاب می‌شد (تاج‌السلطنه، ۱۳۷۱: ۸) (تصویر ۳۰) (جدول شماره ۷).

کنیزان در حیاطی مجزا و هم‌چوار با حرم‌سرا زندگی می‌کردند و زیر نظر زنی ملقب به «اقل (اغول) بگه خانم» قرار داشتند که مسئول پرداخت دستمزد آنها نیز بود (تصویر ۳۱). کنیزکان برای خدمتکاری و صیغه‌شدن نیز استفاده می‌شدند (سازمان اسناد ملی، ۱/۱۵۲۵/۳/۲۹۵؛ ۱/۱۵۷۸/۳/۲۹۵) (تصویر ۳۲). آنها خرج چندانی نداشتند و تا زمانی که ارباب به آنها توجه نمی‌کرد، از لباس‌ها و وسایل کهنه خانم خود استفاده می‌کردند، اما اگر مورد توجه صاحب خود قرار می‌گرفتند، وضعیت آنها متفاوت می‌شد (دروویل، ۱۳۶۵: ۲۳۸)؛ حتی گاهی این کنیزان خواستار برکناری رقیب خود، یعنی زن رسمی و شرعی صاحب خود بودند (پولاک، ۱۳۶۱). اگر کنیزی با صاحب خود هم‌بستر می‌شد، دیگر برده نبود و در صورتی که فرزندی به دنیا می‌آورد، به مقام زن‌های صیغه‌ای دست می‌یافت (دروویل، ۱۳۶۵). در تصویر ۳۳ کامران افشار در آغوش دایه‌اش، ننه سنبل‌باجی، و هاله افشار که پشت عروسک ایستاده است مشاهده می‌شوند. سنبل‌باجی نیز که آفریقایی‌تبار بود، در یک حرم‌سرا به دنیا آمد و در همان کودکی از بارگاه آخرین شاه قاجار (احمدشاه، ۱۰۳۰-۱۸۹۸) آزاد شد. سنبل‌باجی به خانه خانواده افشار رفت، آنجا بزرگ شد، ازدواج کرد، فرزند پسرش را بزرگ کرد و تا پایان عمر همان‌جا ماند.

در سال ۱۳۱۲ قمری، ۲ هزار زن در حرم‌سرای ناصرالدین شاه، وجود داشتند که از میان آنها، ۴ زن رسمی و ۱۰۸ زن صیغه‌ای بودند. بقیه نیز کنیزان و ندیمه‌های حرم‌سرا محسوب می‌شدند (عین‌السلطنه، ۱۳۷۴). هریک از شاهزادگان عهده‌دار حکومت ولایات مختلف ایران بودند. آنها به تقلید از پدر یا پدربزرگ خود حرم‌سرایی از اقسام زنان داشتند که بسیاری از آنها را کنیزان تشکیل می‌دادند. به گفته فریزر: «فاحشه‌خانه‌ای برای هرزگی و ولخرجی و شیرخوارگاهی

1. Keith E. Abott



جدول ۹. الگو واژه عادت‌واره / جایگاه اجتماعی بردگان

عادت‌واره‌های بردگان	سطح اجتماعی / شغل	جایگاه / رتبه	رابط با قدرت
رفاه	صرفاً سطح بالا / حاکم، والی «از صدر اسلام تا دوره صفویه» مالکان بزرگ / کارفرما	ابژه سطح بالا
خدماتی / میانی	I حرفه‌ای سطح بالا / مباشران / مالکان کوچک / دارای زیردستان / خواجه‌باشی / خویش فرما	ابژه سطح بالا	رابط خدمت
	II حرفه‌ای سطح رو به بالا / کارگزاران / خرده‌مالکان / دارای زیردستان / سرخواجه‌ها / خویش فرما	ابژه سطح بالا - کاربردی	
بینابینی	III بردگان غیریدی عادی / بدون زیردست / حامیان / سربازان / غلامان (شاهی، سلطنتی) // خویش فرما، فرمان‌بر	ابژه سطح بالا - کاربردی	بینابین / رابط خدمت
	IIIA کارکنان غیریدی-جنسی / سطح رو به بالا / زنان صیغه‌ای / گاه دارای زیردست / فرمان‌بر / گاه خویش فرما	ابژه مصرفی سطح بالا	بینابین / رابط خدمت
	IIIB کارکنان غیریدی عادی سطح پایین / بدون زیردست / نوکران خانگی / کنیزان، آشپزها، غلام‌بچگان / فرمان‌بر	ابژه کاربردی (غلام‌بچگان) / ابژه تربیتی	بینابین / رابط خدمت
کارگر	کارکنان یدی سطح پایین / بدون زیردست / فرمان‌بر / کارگر مزارع / کارگر سیستم‌های آبیاری	ابژه کاربردی	رابط خدمت
مصرفی صرف	کارکنان غیریدی سطح پایین / غلام‌بچگان	ابژه جنسی	رابط مصرف

مالکان کوچک یا خرده‌مالکان و به‌صورت خویش فرما و فرمان‌بردار هستند. بردگان سطح‌های پایین‌تر تحت نظر و با فرمان اینها به وظایف خود عمل می‌کردند. از این سطح می‌توان به خواجه‌باشی‌ها و سرخواجه‌ها در دوره قاجار اشاره کرد.

افزون بر آنچه بیان شد، مفهوم بینابینی شامل عناصر تلفیقی و چندگانه است و پیوستگی‌های قومی، فرهنگی و اجتماعی را به‌خوبی نشان می‌دهد. بردگان این سطح از عادت‌واره ابژه‌هایی غیریدی هستند که به‌دلیل کارکردشان هم خویش فرما و دارای زیردست بودند (حامیان، سربازان و غلامان شاهی و سلطنتی) و هم فرمان‌بردار بودند و زیردستی نداشتند (کنیزان، زنان صیغه‌ای، نوکران خانگی، آشپزها و غلام‌بچه‌ها). بردگان سطح کارگر ابژه‌هایی یدی هستند و سطح رو به پایینی دارند که زیردست ندارند و فرمان‌بردار هستند. کارگران مزارع در جنوب شرق و کارگران

اجتماعی، عادت‌واره‌های خاص خودش را دارد، «عادت‌واره‌ها هم به مانند مواضع و موقعیت‌های اجتماعی که مولد آن عادت‌واره‌ها هستند، تفاوت یافته‌اند» (بوردیو، ۱۳۸۵) و عامل تفاوت نیز به شمار می‌آیند. با توجه به مقوله‌بندی بر پایه تحلیل محتوای اسناد و عکس‌های ثبت‌شده در این پژوهش می‌توان برای عادت‌واره‌ها در نظام برده‌داری دوره قاجار سطح‌بندی پنج‌گانه‌ای ارائه کرد. در این تقسیم‌بندی سطح اول مختص به بردگان مرفه است. این بردگان ابژه‌هایی سطح بالا بودند که جزء مالکان بزرگ و کارفرما در کانتکت تاریخی خود محسوب می‌شدند و گاهی در مقام‌هایی چون حاکم و والی قرار می‌گرفتند. وجود و ماهیت این سطح را می‌توان از صدر اسلام تا دوره صفویه مشاهده کرد. سطح خدمتی یا میانی شامل ابژه‌هایی حرفه‌ای در کار است که سطحی رو به بالا دارند و می‌توانند به سطح مرفه وارد شوند. این ابژه‌ها جزء

پایین بودند که زبردست نداشتند و فرمان بردار بودند. کارگران مزارع در جنوب شرق و کارگران سیستم‌های آبیاری در جنوب، مرکز و جنوب غرب ایران در دوره قاجار متعلق به این سطح بودند. سطح مصرفی شامل ابژه‌هایی در کانتکست تاریخی قاجاری بود که بدن در آن‌ها فراتر از بدن رام‌شده و تنها بدنی مصرفی محسوب می‌شد که ابژه‌هایی جنسی بودند. بخشی از غلام‌بچه‌ها و بخشی از کنیزان این سطح از عادت‌واره‌ها را تشکیل می‌دادند.

تعارض در منافع

میان نویسندگان هیچ تعارضی در منافع یافت نشد.

سیستم‌های آبیاری در جنوب مرکز، جنوب و جنوب غرب ایران در دوره قاجار متعلق به این سطح هستند. سطح مصرفی شامل ابژه‌هایی در کانتکست تاریخی قاجار است که بدن در آن‌ها فراتر از بدن رام‌شده و صرفاً بدنی مصرفی است که براساس اسناد به‌عنوان ابژه‌هایی جنسی استفاده می‌شدند. بخشی از غلام‌بچه‌ها و کنیزان این سطح از عادت‌واره‌ها را تشکیل می‌دهند (جدول ۹).

نتیجه‌گیری

براساس اسناد و عکس‌های به‌جامانده در ایران عصر قاجار، بخشی از گروه مستخدمان و نوکران را که در خانه ثروتمندان فراوان بودند، کنیزان، غلامان و خواجگان تشکیل می‌دادند. از این میان، بندگان سیاه آفریقایی بودند و خرید و فروش آن‌ها از طریق خلیج فارس صورت می‌گرفت. سفیدها نیز که از قومیت‌های مختلف بودند، از راه تجارت و خرید و فروش یا اسارت در جنگ‌ها و تهاجمات ناگهانی تأمین می‌شدند. رفتار با این طبقه مورد قبول همگان و در جامعه پذیرفته شده بود. کنیزان نیز یا به‌عنوان زن صیغه‌ای یا دائمی وارد حرم‌سراها می‌شدند، یا در خدمت زنان بزرگان به کارهای خانگی می‌پرداختند. غلامان نیز در زمینه‌های مختلف نظامی، خدمات خانگی، نگهبانی، کشاورزی و آبیاری، ماهیگیری و غواصی (در جنوب) کار می‌کردند و در صورت توانایی و کاردانی به مناصب بالای اداری و نظامی دست می‌یافتند.

خواجگان از جمله گران‌ترین بردگان بودند که به سبب ممنوعیت حرمت اعضا در اسلام، هنگام کودکی در آفریقا و پیش از آنکه به قلمرو سرزمین‌های اسلامی برسند و در آنجا مسلمان شوند، عقیم می‌شدند. آن‌ها با دقت تربیت می‌شدند و به دلیل وضعیت خاص و ارزششان می‌توانستند ثروت عظیمی بیندوزند. همچنین زنان برده برای نقشی که در خانواده داشتند آموزش می‌دیدند. در تقسیم‌بندی عادت‌واره‌ها در نظام بنده‌داری دوره قاجار پنج سطح رفاه، خدماتی-میانی، بینابینی، کارگر و مصرفی قابل تمایز است. بردگان سطح رفاه، ابژه‌هایی سطح بالا یا کارفرما و داری زبردست بودند. بندگان سطح خدماتی-میانی نیز ابژه‌هایی حرفه‌ای، مالکان کوچک یا خرده‌مالکان و خویش‌فرما و فرمان‌بردار بودند. بندگان سطح‌های پایین‌تر تحت نظر و با فرمان اینها به وظایف خود عمل می‌کردند. از این سطح می‌توان به خواجه‌باشی‌ها و سرخواجه‌ها در دوره قاجار اشاره کرد. مفهوم بینابینی شامل عناصر تلفیقی و چندگانه است و به‌خوبی پیوستگی‌های قومی، فرهنگی و اجتماعی را منعکس می‌کند. بردگان این سطح از عادت‌واره ابژه‌هایی غیریدی محسوب می‌شدند که به‌واسطه کارکردشان خویش‌فرما، دارای زبردست (حامیان، سربازان و غلامان شاهی و سلطنتی) و فرمان‌بردار و بدون زبردست (کنیزان، زنان صیغه‌ای، نوکران خانگی، آشپزها و غلام بچه‌ها) بودند. بندگان سطح کارگر ابژه‌هایی یدی و سطح رو به



منابع

- آجرلو، بهرام (۱۳۸۳). *باستان‌شناسی و تاریخ‌نگاری: پرسش‌ها، چالش‌ها و برهمکنش‌ها، یادنامه دومین همایش باستان‌شناسان جوان ایران، به کوشش شهرام زارع*. تهران.
- ایرجی، محمدصادق (۱۳۳۸). *بردگی در اسلام*. تهران: کتاب‌فروشی محمدی.
- بنجامین، ساموئل (۱۳۶۹). *سفرنامه بنجامین در عصر ناصرالدین‌شاه*. ترجمه حسین کردبچه. تهران: جاویدان.
- بورديو، پي‌یر (۱۳۸۰). *نظریه کنش: دلایل عملی و انتخاب عقلانی*. ترجمه مرتضی مردیپها. تهران: نقش و نگار.
- بورديو، نقل از منادی، مرتضی (۱۳۸۵). *جامعه‌شناسی خانواده: تحلیل روزمرگی و فضای درون خانواده*. تهران: دانژه.
- پولاک، ادوارد یاکوب (۱۳۶۱). *سفرنامه (ایران و ایرانیان)*. ترجمه کیکاووس جهان‌داری. تهران: شرکت سهامی خوارزمی.
- تاج‌السلطنه (۱۳۷۱). *خاطرات تاج‌السلطنه، به کوشش منصوره اتحادیه (نظام مافی)*. تهران: نشر تاریخ ایران.
- جنکینز، کیت (۱۳۸۴). *بازاندیشی تاریخ*. ترجمه ساغر صادقیان. تهران: نشر مرکز.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). *وسائل الشیعه*. ۲۹ مجلد. قم: مؤسسه آل‌البیت.
- دروویل، گاسپار (۱۳۶۵). *سفرنامه دروویل*. ترجمه منوچهر اعتماد مقدم. تهران: شبابویز.
- دیرفوس، هیوبرت و رابینو پل (۱۳۷۶). *میشل فوکو، فراسوی ساختارگرایی و هرمنوتیک*. ترجمه حسین بشیریه. تهران: نشر نی.
- دژم‌خوی، مریم (۱۳۸۹). «جایگاه متن در باستان‌شناسی دوران تاریخی»، *نشریه باستان پژوهی*، سال دوازدهم، شماره ۱۹، ص ۱۶۵-۱۷۲.
- ریتزر، جورج (۱۳۷۹). *نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر*. محسن ثلاثی. تهران: علمی.
- سیوری، راجر (۱۳۷۲). *ایران عصر صفوی*. ترجمه کامبیز عزیزی. تهران: نشر مرکز.
- شاهسوارانی، وحید، مرتضایی، محمد (۱۳۹۵). *نقش خلیج فارس در تجارت برده و برده‌فروشی در دوره قاجار (با تکیه بر منابع و اسناد مکتوب)*. مجموعه مقالات یازدهمین همایش علمی- فرهنگی خلیج فارس. تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
- شیل، ماری لئونورا (۱۳۶۲). *خاطرات لیدی شیل (همسر وزیرمختار انگلیس در اوایل سلطنت ناصرالدین‌شاه)*. ترجمه حسین ابوترابیان. تهران: نشر نو.
- عضدالدوله، سلطان احمد میرزا (۱۳۵۵). *تاریخ عضدی*. با توضیحات دکتر عبدالحسین نوایی. تهران: نشر بابک.
- عین‌السلطنه، قهرمان میرزا (۱۳۷۴). *روزنامه خاطرات عین‌السلطنه*. تصحیح مسعود سالور. تهران: اساطیر.
- فریزر، جیمز بیلی (۱۳۶۴). *سفرنامه، معروف به سفر زمستانی*. ترجمه منوچهر امیری. تهران: توس.
- کریپندورف، کلوس (۱۳۷۸). *تحلیل محتوا*. ترجمه هوشنگ نایب. تهران: انتشارات روش.
- لاور، رابرت اچ (۱۳۷۳). *تغییرات اجتماعی*. ترجمه کاووسی سید امامی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ماخت، نورمن آل و مری هال (۱۳۸۵). *تاریخ برده‌داری*. ترجمه سهیل سمی. تهران: انتشارات ققنوس.
- مرکز اسناد آرشیوی وزارت امور خارجه. سری اسناد QH، GH.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۷۷). *شرح زندگانی من، تاریخ اداری و اجتماعی دوره قاجاریه*. ج ۱. تهران: زوار.
- معیرالممالک، دوستعلی (بی‌تا). *یادداشت‌هایی از زندگانی خصوصی ناصرالدین‌شاه*. تهران: چاپخانه علمی.
- ملکم، سرجان (۱۳۶۲). *تاریخ ایران*. ترجمه میرزا اسماعیل حیرت، به کوشش مرتضی سیفی قمی تفرشی، ابراهیم زندپور. تهران: یساولی «فرهنگسرا».
- ویلسن، چارلز جیمز (۱۳۶۳). *تاریخ اجتماعی ایران در عهد قاجاریه*. ترجمه سید عبدالله به کوشش جمشید دودانگه، مهرداد نیک‌نام. تهران: طلوع.
- Kinneir, J. M. (1813). *A Geographical Memoir of the Persian Empire: Accompanied by a Map*. J. Murray.